

Research Paper

Conflict of Interest as a Problematic Situation in Governance: Proposing a New Theoretical Framework



Mostafa Abbasi^{1*}, Mohamadreza Atarodi²

1. PhD Student in Public Administration, Public Policy Department, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadeq University, Tehran, Iran (*Corresponding Author).

email: 11mostafa.abbasi@isu.ac.ir

2. Assistant professor, Industrial Management Department, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadeq University, Tehran, Iran.

email: atarodi@isu.ac.ir

DOI: 10.22034/jipas.2024.464883.1720

Received: 26/06/2024

Accepted: 26/09/2024

Abstract

Purpose: The absence of a coherent and unified scientific framework—and the simultaneous presence of diverse, inconsistent, and fragmented definitions of “conflict of interest” in the theoretical literature—has created significant conceptual challenges. These inconsistencies hinder the development of shared understanding and impede effective efforts to address, manage, and regulate conflicts of interest within governance. Accordingly, the objective of this study is to construct a rigorous definition of conflict of interest, clarify its foundational pillars, and propose a conceptual classification of its forms and types. By doing so, the study aims to develop a systematic and integrative theoretical framework capable of filling the existing conceptual gap, enhancing intellectual coherence among scholars and policymakers, and ultimately providing a sound basis for effective conflict-of-interest management and policy formulation in governance.

Methodology: This research is theoretical in nature and employs a qualitative approach. The proposed framework was developed through a general theory-building methodology, elaborated over an eight-stage process ranging from systematic scientific imagination to iterative feedback, refinement, and finalization. This process unfolded over a four-year period, during which insights from several experts in anti-corruption and public governance were incorporated. Their contributions strengthened the analytical depth and conceptual accuracy of the emerging theory.

Findings: Following an extensive review and critique of the existing literature, the study develops a novel theoretical framework for understanding “conflict of interest in governance” capturing the multifaceted nature of this complex phenomenon. The framework offers a newly formulated definition grounded in four core components. It then explains how conflict-of-interest situations emerge—both as potential and actual conflicts—across various forms and types, and identifies the consequences and organizational implications associated with them. A new conceptual typology of conflict-of-interest forms, derived from the proposed definition, is also presented. Finally,



drawing inspiration from the Institutional Analysis and Development (IAD) framework, the study integrates these components into a consolidated theoretical model.

Conclusion: The proposed framework significantly contributes to the theoretical consolidation of the field by offering a clear definition, explicating the pillars of conflict formation, and providing a coherent typology of conflict-of-interest forms. This advancement reduces conceptual inconsistency, ambiguity, fragmentation, and the lack of standardization that currently impede progress in the literature. As a result, the framework creates a foundation for more effective efforts in managing conflicts of interest within governance. It is expected to be valuable both theoretically—for scholars and researchers—and practically—for public managers, policymakers, regulators, and civil society actors engaged in conflict-of-interest mitigation and anti-corruption initiatives.

Keywords: Conflict of Interest; Theoretical Framework; Governance; General Methodology of Theory-Building.

Citation: Abbasi, M., & Atarodi, M.R. (2025) Conflict of interest as a problematic situation in governance: Proposing a new theoretical framework. *Journal of Iranian Public Administration Studies*, 8(2), 1-20.

تعارض منافع به مثابه موقعیتی مسئله‌ساز در نظام حکمرانی؛



ارائه چارچوب نظری نوین

مصطفی عباسی^{۱*}، محمدرضا عطاردی^۲

۱. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گروه خطمشی‌گذاری عمومی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (*نویسنده مسئول).
email: 11mostafa.abbasi@isu.ac.ir

۲. استادیار رشته مدیریت دولتی، گروه خطمشی‌گذاری عمومی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.
email: atarodi@isu.ac.ir

DOI: 10.22034/jipas.2024.464883.1720

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۵

هدف: نبود یک چارچوب علمی منسجم و واحد و در مقابل، وجود تعاریف متنوع، متفاوت و گاه پراکنده از مفهوم «تعارض منافع» در ادبیات نظری، چالش‌ها و پیچیدگی‌های متعددی را به وجود آورده است. این وضعیت نه تنها فهم مشترک از این مفهوم را دشوار کرده، بلکه می‌تواند مانع تلاش‌ها برای رسیدگی، مدیریت و تنظیم‌گری مؤثر این پدیده مهم در عرصه حکمرانی شود. از این‌رو، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که با ارائه یک تعریف مستحکم و کاری از تعارض منافع، تبیین ارکان سازنده آن و نیز دسته‌بندی روشن و قابل اتکایی از اشکال و انواع تعارض منافع، زمینه لازم برای شکل‌گیری یک چارچوب نظری منسجم و علمی فراهم آید. فراهم‌سازی چنین چارچوبی می‌تواند خلأ نظری موجود را پوشش داده، انسجام بیشتری میان اندیشمندان، متخصصان، خطمشی‌گذاران و فعالان این حوزه ایجاد کند و در نهایت بستر مناسبی برای مدیریت مؤثر تعارض منافع در نظام حکمرانی و تسهیل فرایندهای خطمشی‌گذاری مربوط به آن به وجود آورد.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر ماهیتی نظری داشته و با رویکردی کیفی انجام شده است. تدوین این چارچوب نظری بر پایه روش‌شناسی عمومی نظریه‌پردازی و طی یک فرآیند هشت‌مرحله‌ای از «تخیل نظام‌مند علمی» آغاز شده و پس از دریافت بازخوردها، پالایش مفهومی و اصلاحات متوالی، به تکمیل و نهایی‌سازی نظریه انجامیده است. این فرآیند طی چهار سال شکل گرفته و در مراحل مختلف، از نظرات و تجربه‌های ارزشمند جمعی از خبرگان حوزه مبارزه با فساد و متخصصان آشنا با موضوع تعارض منافع بهره گرفته شده است. این مشارکت‌ها موجب غنای بیشتر تحلیل‌ها، دقت مفهومی بالاتر و استحکام نظری طرح پیشنهادی شده است.

یافته‌های پژوهش: در این مطالعه، پس از بررسی دقیق ادبیات موجود و نقد و تحلیل رویکردهای مختلف درباره تعارض منافع، چارچوب نظری تازه‌ای برای فهم «تعارض منافع در نظام حکمرانی» ارائه شد که تلاش دارد ماهیت چندوجهی و درهم‌تنیده این مفهوم پیچیده را به‌طور شفاف و منظم ترسیم کند. در این چارچوب، تعریفی جدید و ساختاریافته از تعارض منافع بر پایه چهار رکن بنیادی آن ارائه می‌شود. سپس چگونگی شکل‌گیری موقعیت‌های

واژگان کلیدی:

تعارض منافع، چارچوب نظری، حکمرانی، روش‌شناسی عمومی نظریه‌پردازی.



مسئله‌ساز و پیدایش تعارض منافع بالقوه و بالفعل در قالب الگوها، اشکال و انواع گوناگون تبیین شده است. پیامدها و عواقب ناشی از وقوع تعارض منافع نیز در ادامه توصیف شده تا ابعاد پنهان و آشکار این پدیده روشن‌تر شود. علاوه بر این، یک دسته‌بندی مفهومی جدید و منسجم از اشکال و انواع تعارض منافع، مبتنی بر تعریف پیشنهادی، ارائه شده است. در پایان نیز با الهام از چارچوب تحلیل و توسعه نهادی، ساختار نهایی نظریه تکمیل و تبیین شده است.

نتیجه‌گیری: چارچوب نظری ارائه‌شده در این پژوهش، با تعریف تازه، تبیین دقیق ارکان شکل‌گیری تعارض منافع و دسته‌بندی مفهومی آن، می‌تواند به‌طور مؤثری بخش مهمی از مشکلات موجود در سطح نظری را برطرف کند. این چارچوب به کاهش ناسازگاری‌ها، رفع سردرگمی‌ها، کاهش پراکندگی مفهومی و ایجاد استانداردهای روشن مفهومی کمک کرده و می‌تواند مقدمه‌ای برای تلاش‌های دقیق‌تر، هدفمندتر و بهینه‌تر در جهت مدیریت مؤثر تعارض منافع در نظام حکمرانی باشد. از این‌رو، انتظار می‌رود این چارچوب هم در عرصه نظری برای اندیشمندان و پژوهشگران و هم در سطح کاربردی برای مدیران دولتی، خطمشی‌گذاران، نهادهای ناظر و کنشگران مدنی فعال در حوزه تعارض منافع و مبارزه با فساد سودمند و الهام‌بخش باشد.

استناد: عباسی، مصطفی؛ و عطاردی، محمدرضا (۱۴۰۴). تعارض منافع به‌مثابه موقعیتی مسئله‌ساز در نظام حکمرانی؛

ارائه چارچوب نظری نوین. *مطالعات مدیریت دولتی ایران*، ۸(۲)، ۱-۲۰.

مقدمه

تعارض منافع در میان کارگزاران دولتی از شروع شکل‌گیری دستگاه‌ها و سازمان‌های عمومی وجود داشته است. اما به لحاظ مفهومی، قدمت آن به سالیان طولانی برمی‌گردد. به عبارتی دیگر اگر سخن از تاریخچه این مفهوم باشد لازم است میان جعل واژه خاص «تعارض منافع» و نیز مفهوم آن، تمایز جدی قائل شد. همچنین شواهد دیگری برای قدمت بیشتر این مفهوم وجود دارد؛ به این صورت که تعارض منافع سابقه‌ای دیرینه در کشورهایمانند ایران دوره ساسانی و چین دوره تانگ دارد که در آن‌ها مقامات رسمی موظف بودند که کشور را تنها در جهت منافع دولت و حاکم بزرگ اداره کنند، اما بیشتر کشورها با چنین مفهومی بیگانه بودند و می‌توان گفت پس از آغاز عصر صنعتی‌شدن و شکل‌گیری دولت‌های جدید بود که این مفهوم کاربرد بیشتری پیدا کرد؛ به این صورت که مقامات رسمی و رهبران سیاسی موظف شدند تنها در راستای منافع دولت عمل کنند (Lankester, 2007). اکنون که تعارض منافع به یکی از مهم‌ترین کلیه‌ها در عرصه مبارزه با فساد تبدیل شده است، بیشتر مردم در کشورهای مختلف از مقامات دولتی انتظار دارند که انجام وظایف رسمی خود را از اهداف شخصی‌شان جدا کنند.

در متون علمی انواع مختلفی از تعاریف، رویکردها و دسته‌بندی‌ها نسبت به تعارض منافع وجود دارد (جعفری‌نیا و همکاران، ۱۴۰۱). عدم وجود یک چارچوب علمی منسجم و نیز وجود تعاریف متعدد از مفهوم «تعارض منافع» در ادبیات نظری، چالش‌ها و پیچیدگی‌های فراوانی را به همراه داشته است که می‌تواند مانع از تلاش‌ها برای رسیدگی و مدیریت مؤثر این مسئله شود. در این‌جا به چند چالش که نشان از اهمیت بررسی این موضوع است اشاره می‌شود:

وجود تعاریف متعدد از تعارض منافع می‌تواند منجر به ناهماهنگی و سردرگمی در بین پژوهشگران، دست‌اندرکاران و سیاست‌گذاران شود. رشته‌ها، مجلات، سازمان‌های حرفه‌ای و نهادهای نظارتی مختلف ممکن است تعاریف، اصطلاحات و معیارهای مختلفی را برای شناسایی تعارض‌ها اتخاذ کنند. در نتیجه، افراد ممکن است برای درک دامنه و پیامدهای تعارض منافع در زمینه‌های خاص خود دچار مشکل شوند. همچنین فقدان یک تعریف یا چارچوب استاندارد پذیرفته‌شده، تلاش‌ها برای توسعه خط‌مشی‌ها، دستورالعمل‌ها و شیوه‌های منسجم برای مدیریت تعارض‌ها را پیچیده می‌کند. بدون درک روشنی از این‌که چه چیزی یک تعارض را تشکیل می‌دهد و نحوه رسیدگی به آن، ممکن است مؤسسات برای اجرای استراتژی‌های مدیریت تعارض منافع مؤثر تلاش کنند که منجر به تفاوت در رویکردها در تنظیمات مختلف می‌شود. این مسئله می‌تواند تلاش‌ها برای رسیدگی به تعارض منافع را تکه‌تکه کند و هماهنگی ابتکارات و اشتراک‌گذاری بهترین شیوه‌ها در رشته‌ها و بخش‌ها را چالش‌برانگیز کند. این پراکندگی ممکن است منجر به ناکارآمدی، تلاش‌های مضاعف و موازی، و فرصت‌های از دست‌رفته برای همکاری و تبادل دانش میان ذی‌نفعانی شود که برای کاهش تعارض منافع تلاش می‌کنند. افراد ممکن است از طیف کامل عواملی که می‌توانند تعارض‌ها یا پیامدهای بالقوه اقدامات خود را ایجاد کنند بی‌اطلاع باشند. این فقدان آگاهی می‌تواند مسئولیت‌پذیری و شفافیت را تضعیف کند، زیرا ممکن است ذی‌نفعان اهمیت افشای تعارض‌ها یا اجرای تدابیر مناسب برای کاهش خطرات را درک نکنند.

تعاریف متفاوت از تعارض منافع می‌تواند ابهام اخلاقی ایجاد کند، به‌ویژه زمانی که صحبت از تعیین آستانه برای آن‌چه که یک تعارض غیرقابل قبول است به میان می‌آید. بدون رهنمودها و اصول روشن برای هدایت تصمیم‌گیری اخلاقی، افراد ممکن است برای عبور از موقعیت‌های پیچیده که در آن منافع رقابتی در بازی وجود دارد، تلاش کنند که منجر به خطاهای احتمالی در قضاوت یا صداقت می‌شود.

وجود تعاریف متعدد ممکن است خلأها یا فرصت‌هایی را برای افراد ایجاد کند تا از ابهامات موجود در سیاست‌های تعارض منافع برای منفعت یا منافع شخصی سوءاستفاده کنند. این ریسک بر اهمیت چارچوب‌های جامع و قوی تأکید می‌کند که طیف وسیعی از منافع مالی و غیرمالی را مورد توجه قرار می‌دهد و شفافیت، صداقت و مسئولیت‌پذیری را در پژوهش و تصمیم‌گیری ارتقا می‌دهد.

در نتیجه، تشتت میان تعاریف تعارض منافع در ادبیات علمی نشان‌دهنده مشکل مهمی است که می‌تواند تلاش‌ها برای مدیریت مؤثر تعارض‌ها، حفاظت از سلامت اداری و حفظ اعتماد عمومی را تضعیف کند. به عبارتی دیگر اولین قدم، تعریف دقیق و روشن این مفهوم

است و تا زمانی که این تعریف روشن از تعارض منافع بیان نشود ادراک صحیحی از این موقعیت‌ها و سپس مدیریت آن‌ها صورت نمی‌گیرد (Di Carlo & Testarmata, 2011).

ادبیات نظری و پیشینه پژوهشی

تعاریف و بررسی نظرات اندیشمندان تعارض منافع

نظرات اندیشمندان و نظریه‌پردازان حوزه تعارض منافع را به صورت کلی می‌توان به دودسته تقسیم کرد. اندیشمندانی که بر نگاه‌های فردی، ذهنی‌گرایی، ملاحظات اخلاقی و مباحث ادراکی تأکید بیشتری دارند (Luebke, 1987; Demmke & Henökl, 2007; Sah, 2019; Kimmel, 2020; McLean, 2013; Davis, 2012; Boatright, 2010; Gostin, 2022; Zaffke, 2021; Trost & Gash, 2008) لازم به ذکر است که در این‌جا مقصود نگارنده به صورت مطلق نیست بلکه سخن از تمرکز و تأکید این اندیشمندان در مباحث مطرح شده است. با این دسته‌بندی کلی می‌توان وارد توضیحات بیشتر در مورد نظرات اندیشمندان این حوزه شد:

لوئیکه^۱ (۱۹۸۷) تعارض منافع را به‌عنوان وضعیتی تعریف می‌کند که در آن شخصی که وظیفه دارد در راستای منافع یک طرف خاص عمل کند، همچنین دارای منافع رقیب است که به‌طور بالقوه می‌تواند بر توانایی آن‌ها برای انجام این وظیفه بی‌طرفانه تأثیر بگذارد یا به خطر بیندازد. این تعریف، تعارض منافع را کاملاً در قلمرو ملاحظات اخلاقی قرار می‌دهد و تنش بین وظایف و منافع رقیب را برجسته می‌کند. دمکه و هنوکل^۲ (۲۰۰۷) تعارض منافع را به‌عنوان وضعیتی تعریف می‌کنند که در آن منافع شخصی، مالی یا سایر مقامات دولتی می‌تواند به‌طور نامناسبی بر انجام وظایف و مسئولیت‌های رسمی آن‌ها تأثیر بگذارد. این تعریف بر پتانسیل تأثیرات واقعی و درک‌شده که می‌تواند یکپارچگی مدیریت دولتی را به خطر بیندازد، تأکید می‌کند. از نظر کریستین تراست و الیسون ال. گاش^۳ (۲۰۰۸) تعارض منافع موقعیتی است که در آن پیشبرد منافع شخصی یک فرد به‌واسطه منصبی که در یک نظم حقوقی برایش تعریف شده است در تعارض با سایر منافع شخصی یا عمومی قرار می‌گیرد که او نسبت به آن‌ها دارای حق است، و همچنین موظف است که به آن‌ها خدمت کند. تجزیه‌وتحلیل جان بوترایت^۳ (۲۰۱۰) از تعارض منافع از دیدگاه خدمات مالی، چارچوبی جامع برای درک و مدیریت این تضادها را فراهم می‌کند. او با تمرکز بر روابط قراردادی، وظایف امانت‌داری، استراتژی‌های مدیریت ریسک، و اهمیت اعتماد و صداقت، نیاز به سیاست‌ها و استانداردهای اخلاقی قوی برای کاهش تعارض منافع را برجسته می‌کند. کار او بر نقش حیاتی شفافیت، پاسخگویی و پابندی به هنجارهای اخلاقی در حفظ اعتماد و یکپارچگی ضروری برای خدمات مالی مؤثر تأکید می‌کند. این اندیشمند، تعارض منافع را وضعیتی تعریف می‌کند که در آن یک طرف (مانند یک مشاور مالی یا شرکت) دارای منافع متعددی است که یکی از آن‌ها می‌تواند فرایند تصمیم‌گیری را به نفع شخصی یا مالی به ضرر رساننده یا سوگیری کند. وظیفه آن‌ها در قبال مشتریان یا ذی‌نفعان این تعریف بر ماهیت دوگانه منافع تأکید می‌کند که به‌طور بالقوه می‌توانند قضاوت و مسئولیت‌های حرفه‌ای را به خطر بیندازند.

آن پیترز^۲ (۲۰۱۲) تعارض منافع را به‌عنوان وضعیتی تعریف می‌کند که در آن منافع شخصی یک فرد یا نهاد ممکن است به تصمیماتی منجر شود که به‌دلیل منافع شخصی یا سوگیری از وظیفه اصلی آن‌ها منحرف شود. این وضعیت زمانی به وجود می‌آید که بین وظیفه عمومی و منافع خصوصی تعارض وجود داشته باشد که به‌طور بالقوه می‌تواند بر اجرای مسئولیت‌های حرفه‌ای تأثیر بگذارد. پیترز توضیح می‌دهد که تعارض منافع صرفاً در مورد اشتباه واقعی نیست، بلکه پتانسیل سوگیری یا جانبداری است. صرف وجود منافع متعارض می‌تواند اعتماد و اعتبار را تضعیف کند، زیرا تصویری از سوءرفتار احتمالی یا مزیت ناعادلانه ایجاد می‌کند. پیترز بر اهمیت شفافیت، پاسخگویی و چارچوب‌های نظارتی سختگیرانه برای مدیریت و کاهش تعارض منافع تأکید می‌کند. او همچنین تأکید می‌کند که مدیریت

¹ Luebke

² Demmke & Henökl

³ Boatright

تعارض منافع نه تنها شامل اقدامات قانونی و سیاستی بلکه شامل هنجارهای اخلاقی و تغییرات فرهنگی در سازمان‌ها نیز می‌شود. اما مایکل دیویس قطعاً یکی از برجسته‌ترین اندیشمندان این حوزه است. دیویس (۲۰۱۲) در دایره‌المعارف اخلاق کاربردی، درک دقیق و جامعی از تعارض منافع ارائه می‌دهد. دیویس با تعریف تعارض منافع به‌عنوان موقعیت‌هایی که منافع متعدد می‌تواند قضاوت و داوری را به خطر بیندازد و با تأکید بر اهمیت شفافیت و استانداردهای اخلاقی، نقش مهمی را که مدیریت تعارض منافع در حفظ اعتماد و یکپارچگی در زمینه‌های حرفه‌ای و سازمانی ایفا می‌کند، برجسته می‌کند. این اندیشمند، تعارض منافع را به‌عنوان وضعیتی تعریف می‌کند که در آن یک شخص یا سازمان دارای منافع متعدد است و خدمت به یک منفعت می‌تواند شامل اقدام علیه دیگری باشد. به‌طور خاص، این شرایطی است که در آن نگرانی برای وظیفه، تعهد یا مسئولیت ممکن است توسط یک منفعت شخصی رقیب به خطر بیفتد و منجر به قضاوت یا تصمیم‌گیری مغرضانه شود.

فریدبرگ^۱ (۲۰۱۲) تعارض منافع را به‌عنوان وضعیتی تعریف می‌کند که در آن یک فرد یا نهاد در چندین نقش یا فعالیت با منافع رقیب درگیر می‌شود، به‌طوری‌که اجرای یک نقش ممکن است تحت تأثیر تعهدات یا انگیزه‌های مرتبط با دیگری قرار گیرد. این تعریف بر تنش ذاتی بین منافع رقیب در اقدامات سازمان‌یافته تأکید می‌کند. تحلیل ارهارد فریدبرگ (۲۰۱۲) از تعارض منافع از طریق دریچه جامعه‌شناسی کنش سازمان‌یافته، درک جامعی از چگونگی ساختار این تضادها در بافت‌های سازمانی ارائه می‌دهد. فریدبرگ با تمرکز بر نقش‌ها، پویایی قدرت و ساختارهای اجتماعی که تعارض منافع را شکل می‌دهند، اهمیت شفافیت، مسئولیت‌پذیری و پایبندی به هنجارهای سازمانی را در مدیریت این موضوعات برجسته می‌کند. او تأکید می‌کند که تعارض منافع تنها معضلات اخلاقی فردی نیستند، بلکه عمیقاً در چارچوب‌های نهادی و روابط قدرت سازمان‌ها تعبیه شده‌اند. فریدبرگ (۲۰۱۲) تأکید می‌کند که تعارض منافع از موقعیت ساختاری افراد در سازمان‌ها ناشی می‌شود. این موقعیت‌ها دارای نقش‌ها و مسئولیت‌های خاصی هستند که ممکن است با منافع شخصی یا سایر وظایف حرفه‌ای تعارض داشته باشند. همچنین بیان می‌کند که بافت نهادی، ماهیت و تأثیر تعارض منافع را شکل می‌دهد. سازمان‌ها قوانین رسمی و غیررسمی دارند که رفتار قابل قبول را تعریف می‌کنند و تعارض منافع با واردکردن سهام شخصی به فعالیت‌های حرفه‌ای، این هنجارها را به چالش می‌کشد. فریدبرگ، نقش قدرت و کنترل بر منابع را در ایجاد تضاد منافع برجسته می‌کند. افرادی که منابع ارزشمند (اطلاعات، امور مالی، قدرت تصمیم‌گیری) را کنترل می‌کنند، ممکن است زمانی که منافع شخصی آن‌ها بر نحوه تخصیص این منابع تأثیر می‌گذارد، با تعارض مواجه شوند.

مک‌لین و همکاران (۲۰۱۳) تعارض منافع را به‌عنوان وضعیتی تعریف می‌کنند که در آن منافع شخصی، مالی یا سایر منافع پتانسیل تأثیرگذاری بر قضاوت یا اعمال حرفه‌ای او را دارد یا به نظر می‌رسد که تأثیرگذار باشد. این تعریف بر اهمیت حفظ یکپارچگی حرفه‌ای و درک بی‌طرفی تأکید می‌کند. اما ساه و لونستین و کین (۲۰۱۸) تعارض منافع را به‌عنوان وضعیتی تعریف می‌کنند که زمانی به وجود می‌آید که منافع اخلاقی یا حرفه‌ای اولیه با منافع شخصی برخورد می‌کند. این تعریف، پتانسیل منافع شخصی را برای تداخل با مسئولیت‌های حرفه‌ای نشان می‌دهد، به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند پزشکی، جایی که مشاوران ممکن است با انگیزه‌هایی مواجه شوند که می‌تواند توصیه‌های آن‌ها را مغرضانه کند، و ساه (۲۰۱۹) از تعارض منافع بر تعادل ظریفی تأکید می‌کند که مشاوران باید بین وظایف حرفه‌ای و انگیزه‌های شخصی خود و پیامدهای بالقوه‌ای که هنگام برهم خوردن این تعادل به وجود می‌آیند، حفظ کنند. کیمل (۲۰۲۰) تضاد منافع را وضعیتی تعریف می‌کند که در آن منافع شخصی، مالی یا سایر منافع یک شخص یا سازمان می‌تواند قضاوت حرفه‌ای، عینیت و مسئولیت‌های آن‌ها را به خطر بیندازد یا به نظر برسد که به خطر بیفتد. این تعریف جنبه‌های دوگانه تعارض منافع واقعی و درک‌شده را برجسته می‌کند و بر نیاز به شفافیت برای حفظ اعتماد و صداقت تأکید می‌کند. زافکه^۲ (۲۰۲۱) تعارض منافع را وضعیتی تعریف می‌کند که در آن یک فرد یا سازمان درگیر در یک مشارکت عمومی-خصوصی دارای منافع متعددی است که یکی از آن‌ها می‌تواند به‌طور بالقوه بر فرایند تصمیم‌گیری یا اجرای وظایف آن‌ها تأثیر بگذارد یا به خطر بیندازد. این تعریف، پیچیدگی‌ها و چالش‌های

¹ Friedberg

² Zaffke

خاص تعارض منافع در محیط مشارکتی را برجسته می کند. گوستین^۱ (۲۰۲۲) تضاد منافع را به عنوان وضعیتی تعریف می کند که در آن یک فرد یا سازمان درگیر در خط مشی بهداشت عمومی دارای منافع متعددی است که می تواند قضاوت، عینیت یا اقدامات آن ها را به خطر بیندازد، یا به نظر می رسد که به خطر بیفتد. این تعریف بر تأثیر مهمی که منافع شخصی یا مالی می تواند بر تصمیمات بهداشت عمومی داشته باشد، تأکید می کند که باید به نفع رفاه عمومی اتخاذ شود.

با توجه به تعاریف مختلف تعارض منافع در ادبیات بین المللی لازم است از میان آن ها، تعاریف مهم از نهادهای بین المللی و نیز اندیشمندان برجسته این حوزه مطرح شود تا در گام های بعدی به تفاوت ها و عناصر کلیدی این مفهوم اشاره شود. در ابتدا خلاصه ای از تعاریف تعارض منافع در نهادهای مشهور بین المللی در جدول شماره ۱ ارائه می شود.

جدول ۱: تعاریف عملیاتی تعارض منافع از سازمان ها و نهادهای بین المللی

ردیف	تعریف	نهاد	سال
۱	تعارض منافع سازمانی زمانی به وجود می آید که به دلیل سایر روابط یا فعالیت ها، یک سازمان قادر به ارائه خدمات بی طرفانه نیست، یا سازمان مزیت رقابتی ناعادلانه ای دارد. تعارض منافع شخصی، شرایطی است که در آن، منافع شخصی افراد نظیر روابط بیرونی یا نفع مالی شخصی، با عمل به وظایف رسمی و اداری تداخل پیدا می کند یا ممکن است چنین ادراک شود که با انجام وظایف رسمی، تداخل دارد.	سازمان ملل متحد ^۲	۲۰۰۸
۲	موقعیتی است که در آن منافع وجود دارد که باعث تداخل در اعمال ارزیابی بی طرفانه باشد (نقض بی طرفی) یا در ظاهر با اجرای وظیفه محوله تداخل داشته باشد.	بانک جهانی ^۳	۲۰۱۴
۳	تعارض منافع زمانی پدید می آید که «بین [انجام] وظیفه دولتی و [استحصال] نفع شخصی یک مقام دولتی، تعارض به وجود آید، به طوری که نفع شخصی بالقوه آن مقام دولتی به طرز نادرستی بر اجرای وظایف و مسئولیت های رسمی او اثر بگذارد».	سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه ^۴	۲۰۰۵
۴	تعارض منافع موقعیتی است که در آن یک فرد یا یک موجودیت (نظیر یک حکومت، یک شرکت تجاری، یک مجموعه رسانه ای یا سازمان مردم نهاد)، بر سر دوراهی انتخاب بین [انجام] وظایف و اقتضائات موقعیتی محول شده و منافع شخصی خودشان، قرار می گیرند.	سازمان شفافیت بین المللی ^۵	۲۰۲۳
۵	تعارض منافع اشاره به شرایطی دارد که در آن یک فرد در موقعیت سوءاستفاده از یک ظرفیت رسمی برای کسب سود شخصی قرار دارد، اما هنوز اقدام به سوءاستفاده از موقعیت نکرده است. به طور خلاصه، وجود موقعیت تعارض منافع به معنای وقوع عمل نادرست نیست، بلکه زنگ خطری برای وقوع آن است.	اتحادیه اروپا (یوروپام) ^۶	۲۰۱۶
۶	موقعیتی که یک مقام دولتی منفعتی شخصی دارد که انجام بی طرفانه وظایف رسمی اش را تحت تأثیر قرار می دهد یا این شبهه وجود دارد که تحت تأثیر قرار دهد.	شورای اروپا ^۷	۲۰۰۰
۷	تعارض منافع موقعیتی است که در آن پیشبرد منافع شخصی یک فرد به واسطه منصبی که دارد در تعارض با منافع عمومی قرار گیرد که نسبت به آن ها دارای حق است و همچنین موظف است که به آن ها خدمت کند.	بانک توسعه آسیایی ^۸	۲۰۰۸
۸	تعارض منافع زمانی پدید می آید که یک فرد در جایگاه کارمند یا مقام بخش دولتی، در هنگام عمل به وظیفه کاری، تحت تأثیر ملاحظات شخصی خود قرار بگیرد. در چنین مواردی تصمیمات با اتکا به دلایل نادرست، اتخاذ می شوند. به علاوه تعارض منافع ادراک شده حتی زمانی که تصمیمات درست اتخاذ شده باشند می تواند به اعتبار یک سازمان آسیب زده و همانند تعارض منافع واقعی اعتماد عمومی را خدشه دار کند.	سازمان امنیت و همکاری اروپا ^۹	۲۰۰۷

¹ Gostin

² United Nations

³ World Bank

⁴ Organization for Economic Cooperation and Development

⁵ Transparency International

⁶ European Union (Europam)

⁷ Council of Europe

⁸ Asian Development Bank

⁹ Organization for Security and Cooperation in Europe

مباحث نظری زیادی پیرامون مفهوم تعارض منافع وجود داشته است که در این تعاریف ارائه شده برای تعارض منافع، این پدیده از ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از روش‌شناسی عمومی نظریه‌پردازی استفاده شده است. طراح این روش‌شناسی، یک روش‌شناسی نظام‌مند و در عین حال به دور از زبان فنی ارائه می‌دهد که با وجود سادگی سعی می‌کند نوعی نظم به نظریه‌پردازی بخشد و نحوه عمل ذهنی و جوانب آن را تا حد ممکن نشان دهد. این روش‌شناسی می‌تواند جسارت نظریه‌پردازی را به صورت جدی ارتقا دهد. (دانائی‌فرد، ۱۳۸۸)

مرحله ۱: شناخت موضوع بحث‌انگیز یا تشخیص نابهنجاری

در قسمت بیان مسئله مطرح شد که تعدد و تفاوت تعاریف تعارض منافع و عدم وجود یک چارچوب نظری مشخص برای آن چه مشکلات و مسائلی را پدید آورده است. این موضوع واقعاً بحث‌انگیز در سطح نظری که سال‌های اخیر ظهور و بروز جدی داشته است منجر به بروز نابهنجاری‌های مختلفی در عرصه خط‌مشی‌گذاری و اجرای آن در حکمرانی شده است. (Di Carlo & Testarmata, 2011)

مرحله ۲: دست‌زدن به تخیل نظام‌مند علمی

طراح این نظریه با شناخت نابهنجاری و موضوع بحث‌انگیز فوق به‌طور مداوم دست به استقرا و قیاس زده تا رفتار تجلی‌یافته در موقعیت‌های تعارض منافع را به وضوح قابل فهم تبدیل کند. به دلیل احاطه نسبی و تمرکز مؤلف بر ادبیات تعارض منافع طی سال‌های اخیر و به‌طور دقیق‌تر از سال ۱۳۹۷ الی ۱۴۰۳ از یک طرف و کار میدانی خط‌مشی‌گذاری، ترویجی، آموزشی و کارشناسی در همین حوزه، از نوعی خبرگی نسبی برای معنا بخشیدن به این مفهوم کلی برخوردار بوده است. نظریه‌پرداز از استقرا در نظریه‌پردازی استفاده کرده است.

این چارچوب نظری برای تعارض منافع در نظام حکمرانی با تخیل نظام‌مند علمی و از طریق استقرا با توجه به مثال‌های مختلف در این عرصه قابل بیان است. این تخیل نظام‌مند علمی اولین بار توسط نظریه‌پرداز در کتاب تعارض منافع در بخش عمومی (مرتب و همکاران، ۱۳۹۹) انجام شده است. به همین منظور این قسمت از مقاله عیناً از همین کتاب برداشت می‌شود. به دلیل این که نظریه و تعریف جدید برای تعارض منافع از طریق استقراست؛ ابتدا نیاز است، چند مثال بیان و بررسی شود:

۱. مثال اول: طی فراخوان عمومی یک سازمان دولتی برای استخدام نیروی جدید، عده‌ای داوطلب، جهت مصاحبه و گزینش به سازمان مذکور مراجعه کرده‌اند. بر حسب اتفاق، پسر یکی از اعضای هیئت گزینش نیز در میان مراجعین قرار دارد.
۲. مثال دوم: یک مسئول در سازمان دولتی «الف» دارای پست تصمیم‌گیری است و شرکت خصوصی «ب» طرف قرارداد این سازمان دولتی است. این در حالی است که آن مسئول دولتی هم‌زمان در شرکت «ب» نیز دارای سهام است.
۳. مثال سوم: موقعیتی که ریاست کل بانک مرکزی بلافاصله پس از پایان دوره مسئولیت به مدیریت یکی از بانک‌های خصوصی منصوب شود یا این که قبل از تصدی ریاست بانک مرکزی، مدیرعامل یک بانک خصوصی باشد.
۴. مثال چهارم: در یک مزایده دولتی، شرکت (الف) به‌عنوان ناظر و شرکت (ب) به‌عنوان مجری یک پروژه، انتخاب می‌شوند. این نظارت در حالی صورت می‌گیرد که بیش از ۵۰ درصد سهام شرکت (ب) متعلق به شرکت (الف) است.

تحلیل مثال‌ها

در جدول شماره ۲ با تحلیل جزئی‌تر مشخص می‌شود که ۴ مؤلفه مشترک برای مثال‌های بیان شده، قابل طرح است:

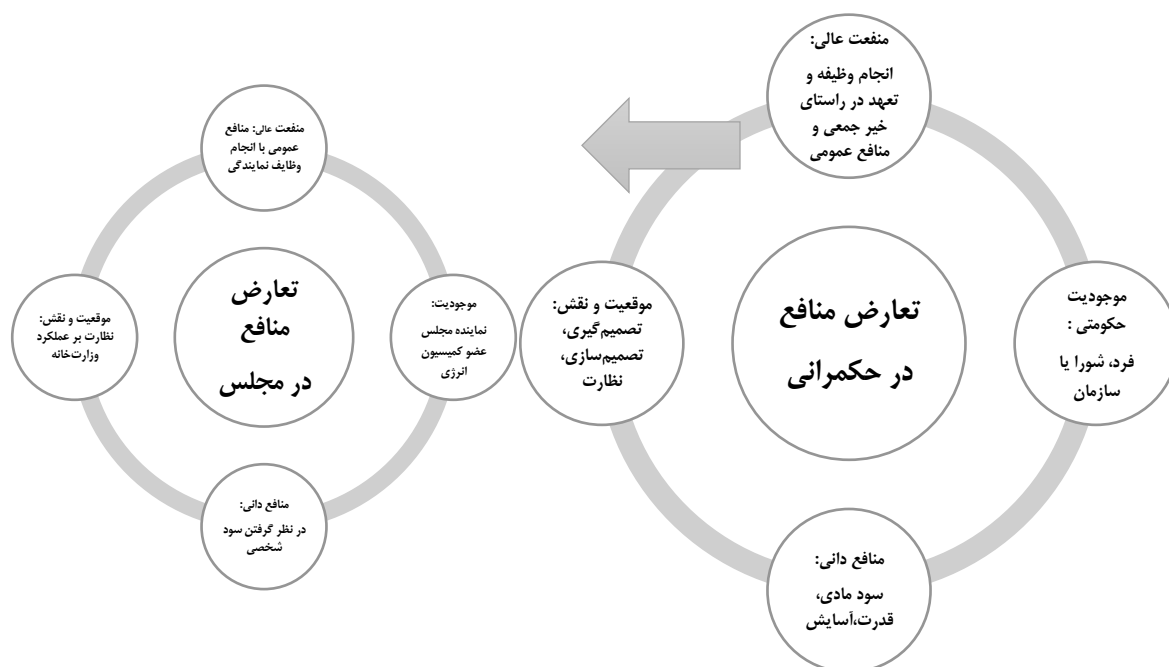
جدول ۲: تحلیل چند مثال تعارض منافع در نظام حکمرانی

مثال / ارکان	موجودیت	موقعیت (نقش)	منافع عالی	منافع دانی
اول	عضو هیئت گزینش	تصمیم‌گیری در هیئت گزینش برای استخدام داوطلبین	شایسته‌سالاری، عدم تضییع حقوق مراجعه‌کنندگان، وظیفه قانونی و اخلاقی	خویشاوندسالاری، امتیاز ویژه قائل شدن برای فرزند خود
دوم	مسئول دولتی سازمان «الف»	تصمیم‌گیری در مورد شرکت خصوصی «ب» که طرف قرارداد سازمان است	انجام وظیفه قانونی و اخلاقی، انجام بی‌طرفانه مسئولیت محول شده	افزایش سود سهام خود در شرکت خصوصی «ب» از طریق تصمیم‌گیری در سازمان «الف»
سوم	رئیس کل بانک مرکزی	تصمیم‌گیری، قاعده‌گذاری و نظارت بر بانک‌های خصوصی	انجام وظایف محول شده به شکل قانونی و بی‌طرفانه	استفاده از اطلاعات قبلی یا موقعیت قانون‌گذاری برای بانک خصوصی خود
چهارم	شرکت «الف»	نظارت بر شرکت «ب»	نظارت واقعی و بی‌طرفانه مطابق با وظایف قانونی و اخلاقی	عدم نظارت کافی به منظور افزایش سود شرکت «ب»

مرحله ۳: ظهور نظریه خام غیرمنتظره

ارکان مشترک در همه مثال‌ها

با توجه به ۴ عنصری که در پنج مثال مذکور شناسایی شد به نظر می‌رسد از طریق استقرا بتوان ۴ رکن کلی را برای تعارض منافع برشمرد. در شکل شماره ۱، ۴ رکن در یک مثال، به تعریف کلی تعارض منافع عمومیت داده شده است:



شکل ۱: ارکان شکل‌دهنده تعارض منافع در حکمرانی (منبع: نگارنده)

این چهار رکن عبارت‌اند از:

۱. موجودیت با صبغه حاکمیتی: موجودیت مورد بحث، یک فرد، گروه یا سازمان دولتی است که در نقش‌های سازمانی خود در دولت و مرتبط با وظیفه کاری محول شده در موقعیت تعارض منافع قرار می‌گیرد. به عبارتی دیگر زمانی که این موجودیت اجتماعی با صبغه دولتی در نقش‌ها و موقعیت‌های سازمانی خود بین دو نفع عالی و دانی قرار گیرد این موقعیت و وضعیت به موقعیت تعارض منافع تبدیل می‌شود.
۲. موقعیت حاکمیتی و نقش‌های سازمانی مرتبط با آن: برای موقعیت سازمانی و اراده‌ای که یک مقام (شورا یا سازمان) دولتی باید اعمال کند؛ سه حوزه کلی تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و نظارتی-ارزشیابی می‌توان متصور شد. با توجه به تعریف عمومی از تعارض منافع و گستردگی شمول آن اگرچه تقریباً همه مشاغل موجود در این سه حوزه کمابیش در معرض تعارض منافع قرار دارند اما برخی از این موقعیت‌ها دارای احتمال بالاتری برای تبدیل شدن به موقعیت تعارض منافع هستند. این جایگاه‌های در معرض خطر، عمدتاً بعد از بروز تعارض منافع و سپس فساد ناشی از آن نیز پیامدهای منفی جدی‌تری خواهند داشت. برای مثال سمت‌های تصمیم‌گیر اصلی در حوزه مربوط به انعقاد قرارداد، انتصابات، تدارکات، مشاوره و بازرسی از این حیث حائز اهمیت هستند. می‌توان به این موارد، عنوان «مشاغل پرمخاطره از حیث تعارض منافع» را اطلاق کرد.
۳. منافع عالی: منافع عالی یک مقام دولتی در موقعیت سازمانی به صورت کلی همان منافع عامه و خیر جمعی است که در این جا فرض می‌شود با همان انجام وظایف قانونی و تعهدات شغلی محقق شود. به عبارت دیگر زمانی که مسئولیت دولتی به فردی سپرده می‌شود، به واسطه این تفویض مسئولیت، قدرت و اعتمادی به وی اعطا شده است که استفاده صحیح از این قدرت و اعتماد، در نهایت منجر به خیر جمعی و تحقق منافع عمومی می‌شود. در واقع، نفع عالی همان چیزی است که مقام دولتی موظف (وظیفه قانونی) و متعهد (تعهد اخلاقی و ارزشی) به پیش‌برد آن است. لازم به ذکر است تعداد فراوانی از مصادیق منافع عمومی با توجه به قوانین یا عرف هر جامعه مشخص می‌شود، هر چند که اصول اخلاقی ثابت است. در این جا تعمداً از واژه منافع عالی استفاده شده است، چون به نظر می‌رسد منافع عامه همه مصادیق را نتواند دربرگیرد و همچنین دقت منافع عالی بیشتر باشد. به عنوان مثال ممکن است منفعت عالی منافع یک نفر ارباب رجوع باشد که نباید ضایع شود.
۴. منافع دانی: منظور از منافع دانی، هر منفعتی است که خلاف منافع عامه و خیر جمعی باشد. به عبارتی دیگر منافع دانی منافی هستند که هر اقدامی براساس آن‌ها موجب خدشه به اعتماد تفویض شده یا سوءاستفاده از قدرت اعطاشده باشد و منافع عمومی را تحت‌الشعاع قرار دهد. در این جا تعمداً از واژه منافع دانی استفاده شده است، چون به نظر می‌رسد منافع شخصی همه مصادیق را نتواند دربرگیرد و همچنین دقت منافع دانی بیشتر باشد. به عنوان مثال منفعت یک نفر دیگر که رابطه خویشاوندی با شخص مورد تعارض منافع دارد را شاید خیلی نتوان منافع شخصی نام نهاد.

تعریف جدید تعارض منافع در نظام حکمرانی

براساس این ۴ رکن می‌توان تعریف تعارض منافع در نظام حکمرانی را این گونه بیان کرد:

تعارض منافع در نظام حکمرانی به موقعیتی گفته می‌شود که در آن یک مقام دولتی در نقش‌های سازمانی خود، هنگام اعمال اراده یا تصمیم‌گیری‌های احتمالی در آینده، در مورد موضوعاتی که در حیطه وظایف اوست، بر سر دوراهی انتخاب بین منافع عالی و دانی قرار گیرد.

نکته‌ای که می‌توان براساس این تعریف بیان کرد آن است که در حالت کلی یک مقام دولتی لازم است در تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی، نظارت و ارزشیابی، «بی‌طرف» بوده و منافع دانی را در انجام وظایف خود دخیل نکند. اما تعارض منافع موقعیتی است که این بی‌طرفی را نقض کرده و زمینه را برای ارتکاب فساد ایجاد می‌کند. ضمناً مشابه تعریف عمومی، تعریف تعارض منافع در نظام حکمرانی هم هر دو حالت بالقوه و بالفعل را شامل می‌شود اما در مورد تعارض منافع واقعی است و نه ظاهری و ادراک شده.

مرحله ۴: داوری اولیه نظریه خام

دانائی فرد (۱۳۸۸) معتقد است که در این مرحله نظریه پرداز نظریه اولیه خود را در محافل علمی ارائه می دهد. بازخوردها و نقد و بررسی های نظریه به تدقیق واحدهای نظریه و قوانین تعامل حاکم بر آنها و همین طور حالات سیستمی حاکم بر نظریه منجر می شود، اما همه نظریه ها به سبک اثبات گرایی مرزهای دقیق نخواهند داشت، زیرا اگر چنین حالتی به خود بگیرند عنصر فلسفی خود را که مایه گسترش آنهاست از دست خواهند داد. در عین حال این مرحله مرزهای نسبتاً مشخصی برای نظریه ایجاد و اعمال دیدگاهها و نقدها و پیشنهادهای نظریه پرداز را وارد مرحله بعدی نظریه پردازی خواهد کرد.

بر این اساس، در این مرحله نظریه اولیه مذکور در دوره های آموزشی و محافل علمی گوناگون طی ۴ سال اخیر ارائه شده و نظرات و پیشنهادهای مخاطبین مطرح شده است از جمله:

جدول ۳: داوری اولیه نظریه خام

ردیف	رویداد/ اقدام	داوران / صاحب نظران	سال
۱	مرحله نهایی دومین جایزه ملی سیاستگذاری	در نوبت برگزاری است	۱۴۰۳
۲	دومین جایزه ملی سیاستگذاری (برگزیده محور بینشی و اندیشه ای) راهیابی به مرحله نهایی	داوران مرحله نیمه نهایی: کمیته داوران مرحله نیمه نهایی داوران مرحله ابتدایی: شورای علمی جامعه اندیشکده ها	۱۴۰۲
۳	جلسه بررسی نظریه و تعریف جدید تعارض منافع و رابطه آن با فساد	استاد برجسته دانشگاه در ایالات متحده، مؤلف کتب و مقالات متعدد در این حوزه و از نظریه پردازان اصلی تعارض منافع در سطح بین المللی	۱۳۹۸
۴	مجموع دوره های آموزشی المپیاد دانشجویی پزشکی	دانشجویان رشته پزشکی شرکت کننده در المپیاد پزشکی	۱۴۰۱
۵	ارسال برای اندیشمندان مختلف دانشگاهی صاحب نظر و آشنا با تعارض منافع	متخصصین حوزه اقتصاد در مراکز دانشگاهی و پژوهشی	۱۴۰۰
۶	جلسه تخصصی با یکی از مراکز پژوهشی تخصصی در این حوزه	گروه تخصصی تعارض منافع این مرکز	۱۴۰۰
۷	ارائه در طول دوره کلاس های دکتری	اساتید خبره در حوزه حکمرانی و دانشجویان دکتری خط مشی گذاری عمومی حاضر در کلاس های دوره	۱۳۹۹-۱۴۰۲
۸	جلسات مفصل و متعدد با صاحب نظران حوزه تعارض منافع، شفافیت و مبارزه با فساد در اندیشکده تخصصی این موضوع	تیم تخصصی تعارض منافع در این اندیشکده	۱۳۹۹
۹	دوره آموزشی برای صاحب نظران و مدیران ارشد یکی از سازمان های نظارتی کشور	ریاست سازمان، مدیران استانی و ستادی و نیز مقامات ارشد و کارشناسان موضوعی سازمان	۱۴۰۰
۱۰	جلسه ارائه و نقد و بررسی	سه تن از متخصصان حوزه اقتصاد و نظام اداری	۱۳۹۹
۱۱	دوره آموزشی تعارض منافع در یک اندیشکده تخصصی موضوع	خبرگان شرکت کننده در جلسه ارائه و هم اندیشی	۱۳۹۸

بازخوردهای مجموعه این جلسات باعث شد که عناصر نظریه دقیق تر مشخص شوند و نظریه پرداز وارد مرحله بعدی شود.

مرحله ۵: تدوین چارچوب غنی شده

ره آورد طرح نظریه خام در محافل علمی یافتن خلأها و ضعف هایی است که نظریه پرداز به مدد آنها می تواند نظریه خود را استحکام بخشیده، نوعی نظریه غنی شده ارائه دهد. بر این اساس، نظریه اولیه ای که در مورد تعارض منافع مطرح شد؛ طی چند سال و پس از بازخورهای مخاطبین در محافل دانشگاهی، علمی و مسئولین کشوری تدقیق شده و نسخه جدید و کامل تری از آن باز تولید شد. اکنون برخی چالش ها و نکاتی که طی ارائه، داوری و اظهار نظر مخاطبین و سپس مطالعه و پژوهش پس از این بازخوردها صورت گرفت و

منجر به غنی شدن چارچوب اولیه شد در این جا مطرح می‌شود. لازم به ذکر است که چارچوب نهایی در قسمت‌های بعدی مقاله مطرح می‌شود.

تعارض منافع، مفهومی گریز یا^۱ (فراگیر و بی‌خاصیت)

همان‌طور که گذشت از تعاریف مختلف تعارض منافع پیداست که این مفهوم می‌تواند به‌نحوی تعریف شود که حدود و ثغور مشخصی نداشته باشد و به ابهام، نسبییت و صرفاً ماهیت بالقوه پدیده تعارض منافع اشاره کند (Friedberg, 2012) در واقع نکته مذکور در اصل از ماهیت این مفهوم نشئت می‌گیرد. از طرفی اگر تعارض منافع خیلی وسیع در نظر گرفته شود مفهوم آن از کارکرد ویژه خود خارج می‌شود مانند این که موقعیت قبل از رشوه و به‌صورت کلی قائل باشیم که قبل از وقوع هر نوع فساداً الزاماً یک موقعیت تعارض منافع وجود داشته است (Davis, 2012). این وسعت و پیچیدگی می‌تواند پیامدهایی در کنترل تعارض منافع هم داشته باشد. اساساً کنترل تعارض منافع به‌خاطر ماهیت مبهم و نسبی آن، کاری است پیچیده. در واقع، تعارض منافع نه تنها اجتناب‌ناپذیر است، بلکه اساساً مبهم نیز هست. بنابراین می‌تواند فرصت یا تهدید باشد. سوآلی که از وجود تعارض منافع مطرح می‌شود مربوط به حذف واقعیات ساختاری نیست بلکه کنترل رفتاری اختیاری و بالقوه فرصت‌طلبانه افراد در چنین شرایطی است. تعارض منافع اساساً یک مسئله رفتاری است. این چیزی نیست جز سؤال قدیمی که چگونه می‌توان وسوسه رفتار فرصت‌طلبانه را از جانب افراد یا گروه‌های به‌دنبال استثمار دفع کرد (Friedberg, 2012). شاید به همین دلایل است که لزوم محدود و مشخص کردن مفهوم تعارض منافع در ادبیات علمی و میان اندیشمندان برجسته و نیز برخی نهادهای بین‌المللی مطرح شده است. برای مثال در اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۶ کیلواژه تعارض منافع پرگزند^۲ مطرح شده است، از این منظر که حالت‌های معمولی و رایج و کم‌خطر تعارض منافع از حالت‌های پراسیب و خطرناک تعارض منافع تمییز داده شود.

چالش تفکیک منافع از یکدیگر

بحث از منافع و نوع آن‌ها و تفکیک هر کدام به‌عنوان اولیه یا ثانویه و به تعبیر دیگری به‌جا و نابه‌جا یکی از اصلی‌ترین چالش‌های مفهوم تعارض منافع است. اساساً یکی از دلایلی که می‌توان برای موقعیت‌محور و مورد‌محور بودن تعارض منافع برشمرد همین تشخیص و تفکیک منافع و تفاوت آن‌ها در موقعیت‌های مختلف است.

تفکیک منافع مشروع و نامشروع به‌خودی خود بسیار مسئله مهمی است و مشخصاً مستقل از عامل زمان هم نیست. به‌سبب همین ابهام اساسی، هیچ قاعده کلی نمی‌توان اتخاذ کرد. نتیجه این است که انتفاع از منابع هر موقعیتی که عناصری از تعارض منافع دارد هرگز به‌خودی خود قابل مجازات نیست (Friedberg, 2012).

یکی شدن تعارض منافع با سوگیری

علاوه بر مسئله تفکیک منافع از یکدیگر که به وسعت تعارض منافع و چالش‌های آن ارتباط دارد مسئله دیگر آن است که در تعاریف بعضاً با سوگیری یکسان در نظر گرفته می‌شود. در صورتی که اگر علاوه بر سوگیری به منافع ثانویه و در واقع به تحت تأثیر قرار گرفتن توسط این نوع منافع، اشاره شود بهتر به نظر می‌رسد. هرچند این کار باعث خواهد شد گستره تعارض منافع افزایش یابد اما به نظر صحیح‌تر است. برای مثال اگر تنها سوگیری مطرح شود دیگر این که وکیل بین دو زوج در حین طلاق برای هر دو وکالت کند را شامل نمی‌شود. تعارض منافع را می‌توان خطر و درک خطر هم در نظر گرفت. ضمناً از بین رفتن اعتبار داوری مهم‌تر به نظر می‌آید (Davis, 2012). پس نکته جدی در این جا آن است که تعارض منافع با سوگیری و انحراف یکی نیست.

مرحله ۶ و ۷: آزمون و به‌کارگیری نظریه

آزمون این نظریه با کاربرد آن هم‌پوشانی دارد. کسانی که این نظریه را می‌شنوند بر صحت آن مهر تأیید می‌زنند. اگرچه می‌توان پرسش‌نامه نیز تدوین و توزیع کرد اما از نظر نگارنده، خبرگان همین مجموعه افرادی هستند که در قسمت داوری از آن‌ها یاد شد.

¹ An elusive concept

² Detrimental COI

لازم به ذکر است که از این نظریه در تدوین طرح و لایحه تعارض منافع و نیز جلسات متعدد بررسی و اصلاحات و تلفیق آن‌ها با یکدیگر استفاده شد.

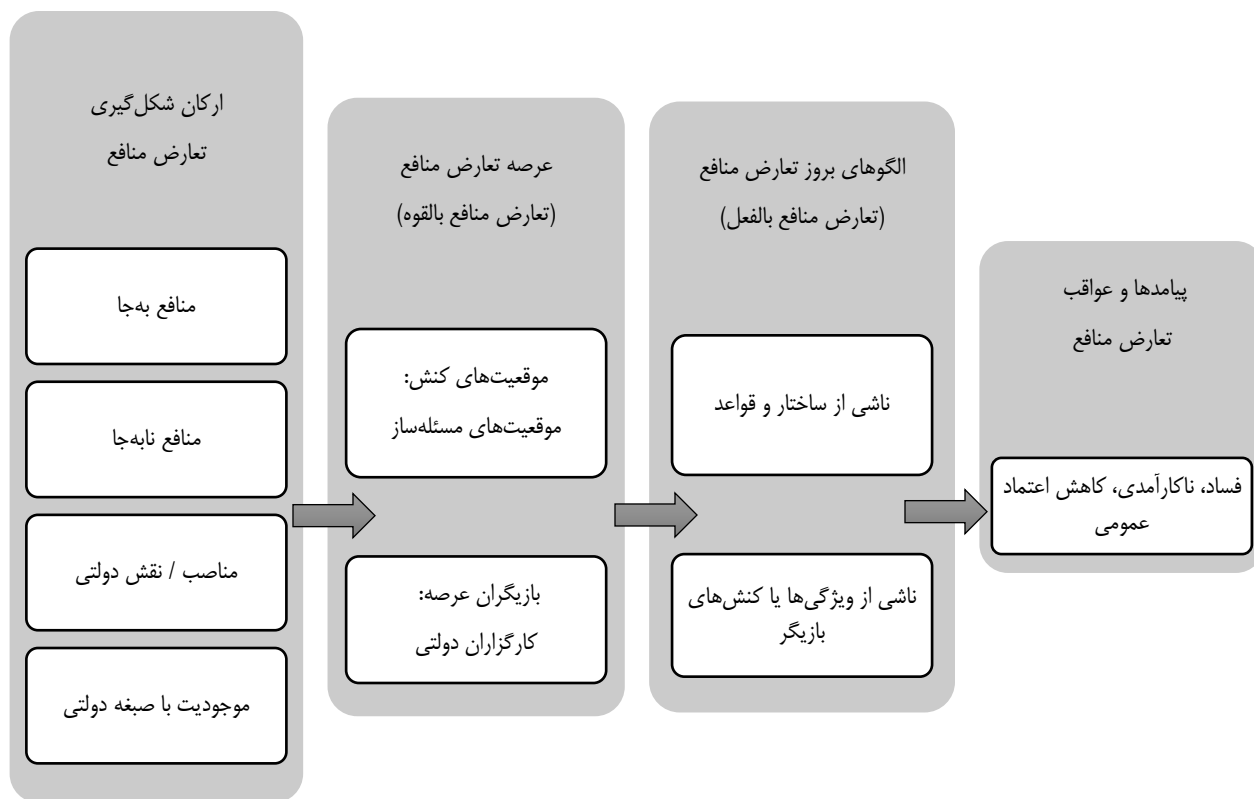
مرحله ۸: بهبود نظریه

بهبود و پالایش مستمر نظریه با ابطال‌پذیری آن به انتقادات علمی اندیشمندان و صاحب‌نظران کشور بستگی دارد. این نظریه کمک می‌کند تا عناصر و ارکان اصلی تعارض منافع و نیز چالش‌ها و گره‌های اصلی این مفهوم مهم در یک چارچوب منسجم ارائه شده و برای خط‌مشی‌گذاری در مورد مدیریت تعارض منافع همه ابعاد آن مورد توجه واقع شود. از ویژگی‌های اصلی این نظریه کلان‌گونه آن است که به علت دارا بودن نوعی عنصر فلسفی، قابل توسعه نیز است و همچنین دسته‌بندی جدیدی از اشکال و انواع تعارض منافع را مطرح می‌کند.

یافته‌های پژوهش؛ ارائه چارچوب نظری تعارض منافع

با توجه به تعاریف ارائه شده در قسمت ادبیات نظری و طرح اختلافاتی که در این تعاریف وجود داشت؛ همچنین طرح نظریه‌پردازی نگارنده و بازخوردها و داوری‌های انجام شده و سپس مطالعات و تأملات جدید درباره چارچوب اولیه؛ اولاً، به نظر می‌رسد جمع‌بندی مشخصی در ادبیات علمی دنیا روی این مفهوم مبهم و پیچیده وجود ندارد و خلأ یک چارچوب نظری منسجم و نسبتاً جامع کاملاً احساس می‌شود. ثانیاً؛ لازم است چارچوب نهایی بتواند ضمن تعریف دقیق از تعارض منافع، ارکان شکل‌گیری آن و روند تبدیل آن به یک موقعیت مسئله‌ساز و نیز بروز پیامدها و عواقب آن را نشان دهد. همچنین درباره چالش‌ها و گره‌های نظری این مفهوم موضع‌گیری دقیقی داشته باشد.

با توجه به تفصیل روش‌شناسی، تعریف و ارکان مطرح شده، شکل شماره ۲ با الهام‌گیری از چارچوب تحلیل و توسعه نهادی به‌عنوان چارچوب نظری نوین برای تعارض منافع قابل ترسیم است:



شکل ۲: شمای چارچوب نظری با الهام از تحلیل نهادی (منبع: نگارنده)

برای تکمیل این چارچوب نظری و با توجه به تعریف جدید و بحثی که در این چارچوب نوین ارائه شد می توان برای اولین بار یک دسته بندی جدید از اشکال و انواع تعارض منافع و نسبت آن ها با عوامل بروز تعارض منافع بیان کرد. به صورت کلی اگر در نظر گرفته شود که هر کدام از مسئولین حکومتی در هر منصب و نقشی که قرار گرفته اند، در حال انجام یکی از امور تصمیم گیری، نظارت یا تصمیم سازی باشند؛ به این ترتیب هنگامی که کنش ها یا ویژگی های فردی در هر یک از موقعیت های تصمیم گیری، تصمیم سازی یا نظارتی تلفیق شود، می توان انتظار داشت که شکلی جدید از تعارض منافع را به وجود آورد؛ برای مثال، اثرگذاری فعالیت شغلی ثانویه فرد در نقش تصمیم گیری، تصمیم سازی یا نقش نظارتی او. لذا می توان به طور خلاصه عوامل و اشکال تعارض منافع را از مناظر مختلف با یکدیگر در جدول شماره ۴ تحت یک دسته بندی مفهومی جدید بیان کرد (مرتب و همکاران، ۱۳۹۹).

جدول ۴: مقایسه عوامل و اشکال تعارض منافع با یکدیگر

منشأ بروز تعارض منافع	توضیح مختصر	عوامل اصلی بروز اشکال تعارض منافع	اشکال تعارض منافع
ناشی از ساختار و قواعد	صرف نظر از هر مقام دولتی، هر شخصی در این حالت در موقعیت تعارض منافع قرار خواهد گرفت؛ چراکه منافع از قبل وجود داشته است.	وجود عواملی ساختاری که ایجادکننده موقعیت تعارض منافع هستند: ● قوانین ● فرایندها ● رویه ها ● ساختار سازمانی	● اتحاد قاعده گذار و مجری ● اتحاد ناظر و منظور ● تعارض درآمد و وظایف ● تعارض وظایف با وظایف ● امضای طلایی (انحصار) ● برخورداری از اطلاعات نهانی
ناشی از ویژگی ها یا کنش های مقام دولتی	با تغییر و جابه جایی آن مقام دولتی که در تعارض منافع است، این موقعیت از بین می رود.	کنش یا ویژگی های مقام دولتی مانند: ● پذیرش هدیه ● درب های گردان ● فعالیت شغلی ثانویه	حاصل اثرگذاری کنش ها یا ویژگی های فردی در هر یک از موقعیت های تصمیم گیری، تصمیم سازی یا نظارتی مانند: اثرگذاری فعالیت شغلی ثانویه در تصمیم گیری، تصمیم سازی یا نظارت

اشکال تعارض منافع	عوامل اصلی بروز اشکال تعارض منافع	توضیح مختصر	منشأ بروز تعارض منافع
	<ul style="list-style-type: none"> ● روابط سیاسی، دوستی، خویشاوندی، قومی و... ● تابعیت مضاعف 		

ابعاد دیگر چارچوب نظری

مفهومی با محدوده مشخص

بیان شد که تعارض منافع مفهومی گریزناست. با توجه به اشکالاتی که نسبت به تعریف وسیع تعارض منافع وجود دارد تصمیم نظریه پرداز بر آن است که تعریف خاص آن را مدنظر قرارداده تا این مفهوم کارکرد ویژه خود را داشته باشد و با مفاهیم مشابهی مانند فساد، گلوگاه‌های فساد، دوراهی انتخاب، منافع متعارض، تضاد منافع، سوگیری، وابستگی و ... یکسان در نظر گرفته نشود.

موقعیت و مورد محور

تعارض منافع مورد محور است؛ یعنی با توجه به اقتضائات هر مورد می‌توان درباره آن قضاوت کرد. از طرف دیگر، تعارض منافع یک موقعیت است؛ موقعیتی که با شرایط خاصی، مسئله‌ساز^۱ شده است. شرایط خاص می‌تواند علت‌های مختلفی مانند منافع شخصی، کنش‌های فردی یا چیدمان ساختاری و ... داشته باشد، اما مهم آن است که این موقعیت دیگر، موقعیت معمولی نبوده و مستعد تصمیم‌ها و قضاوت‌های ناصحیح است. این شرایط متفاوت هستند که موقعیت‌ها را می‌سازند. بنابراین موقعیت‌ها لزوماً با یکدیگر یکسان نبوده بلکه لازم است مورد به مورد بررسی شوند.

تعارض منافع و نه منافع متعارض

جمع‌بندی پژوهشگر همان‌طور که بیان شد آن است که مفهوم تعارض منافع با منافع متعارض تفاوت جدی داشته و برای مدیریت آن‌ها هم باید مسیرهای مختلفی را پیمود. منافع متعارض به تعارض در نقش‌ها و وظایف برمی‌گردد که در علم مدیریت و سازمان به آن پرداخته شده و بیشتر دغدغه اصلاح ساختاری و بعضاً الگوی حکمرانی و مدیریت مدنظر است؛ در صورتی که در تعارض منافع جنبه اعتمادزدایی، فسادآفرینی و ناکارآمدی افراد مدنظر قرار می‌گیرد.

مقام داوری و قضاوت و بحث آزادی عمل

فردی که در موقعیت تعارض منافع است لازم است در یک مقام داوری یا به تعبیر دیگری قضاوت باشد و آزادی عمل کافی را داشته باشد و گرنه اساساً طرح چنین مفهوم کاربرد چندانی ندارد. هرچند این اتفاق در سطوح پایین‌تر دستگاه‌های اجرایی هم قابل رؤیت است اما با توجه به اولویت اثرگذاری بیشتر و نیز وجود آزادی عمل کافی در سطوح ارشد مدیریتی، تعارض منافع برای مسئولین ارشد دولت مدنظر قرار می‌گیرد.

منافع به‌جا و نابه‌جا و نوع آن‌ها

منافع به‌جا و اولیه همان منافع عمومی در نظر گرفته می‌شود. منظور از منافع عمومی هم همانی است که قانون اساسی کشورها برای تحقق آن منافع به‌وجود آمده‌اند.

منافع نابه‌جا، ناظر به منافع اقتصادی و سیاسی نابه‌جا در نظر گرفته می‌شود؛ چراکه تأکید صرف بر منافع اقتصادی و مالی و در نظر نگرفتن منافع سیاسی و ناشی از قدرت ممکن است به‌جای تقویت اعتماد عمومی نسبت به دولت به‌عنوان ناظر اخلاق عمومی، این اعتماد را از بین ببرد. برای مثال نمی‌توان نسبت به خویشاوندسالاری و دوست‌گماری و منافع حزبی و جناحی سکوت کرد.

سوگیری^۲ و نقض بی‌طرفی؛ خودآگاه یا ناخودآگاه

¹ Problematic

² Bias

اساساً سوگیری با جایگاه‌های حاضر در تعارض منافع همبستگی دارد و تصمیم‌سازی مطمئناً تحت تأثیر آن خواهد بود (Friedberg, 2012). از مهم‌ترین سوگیری‌ها، سوگیری افراد به نفع خود است. برای مثال ۹۰ درصد رانندگان، رانندگی خود را بالاتر از متوسط می‌دانند. اگرچه می‌خواهند منصفانه عمل کنند اما سوگیری شخصی در اکثر موارد امری طبیعی است (Davis, 2012). این نوع سوگیری در موقعیت‌های تعارض منافع می‌تواند بسیار اثرگذار باشد.

سوگیری می‌تواند خودآگاه یا ناخودآگاه باشد. سوگیری در رفتار خود ما در نقطه کور^۱ دید ما است. به عبارتی دیگر در بسیاری از موارد سوگیری‌ها، ناخودآگاه است. بنابراین تشخیص و سپس مقابله با این نوع سوگیری و تعارض منافع کاری مشکل است. به عنوان یک مثال واقعی، یک شرکت دارویی دوره‌ای آموزشی برای تعدادی از پزشکان برگزار کرد. این پزشکان تا مدت‌ها بعد از برگزاری این دوره آموزشی هم داروهای آن شرکت را تجویز می‌کردند (Davis, 2012).

رابطه امانی^۲ و نظریه اصیل-وکیل^۳

تعارض منافع مسئله‌ای است که در تصمیم‌گیری برای دیگری به وجود می‌آید؛ حال ممکن است دیگری مشتری باشد یا عموم مردم (Demmke & Henökl, 2007). بحث اصلی آن است که فرد در جایگاهی باشد که دفاع فعالانه از منافع دیگران وظیفه‌اش باشد و به همین دلیل است که با سوءاستفاده معمولی از حقوق متفاوت است (Peters, 2012). در تعریف دیویس (۲۰۱۲) که تعارض منافع را موقعیتی می‌داند که برخی از منافع یک فرد، مخمل ابراز عقیده او به نمایندگی از فرد دیگری بشود نیز این رابطه امانی مهم و پررنگ به نظر می‌رسد.

تعارض منافع شخصی و نه سازمانی

بر پایه نظریه کارفرما-کارگزار که مطرح شد و نیز مشابه نظر پلاتزو و رتل (۲۰۱۱) به نقل از آن‌پیترز (۲۰۱۲)، تعارض منافع شخصی از سازمانی قابل تفکیک بوده و در این جا مطرح می‌شود، که با توجه به انتخاب حیطه پژوهشی، در این چارچوب نظری، تعارض منافع فردی مورد توجه است. ضمن آن که در ادبیات علمی هم وقتی از تعارض منافع سخن می‌آید بیشتر همین مفهوم و با اشکالی مطرح می‌شود.

تعارض منافع با رفتار تخصصی مرتبط است و در دایره روابط کارفرما-کارگزار می‌گنجد، درحالی که تعارض منافع سازمانی به ساختار سازمانی ارتباط دارد. البته این دوگونه ممکن است هم‌پوشانی داشته باشند.

بخش عمومی و نظام حکمرانی و نه بخش خصوصی

حیطه پژوهشی پژوهشگر مربوط به بخش عمومی و در واقع عرصه حکمرانی عمومی است. بنابراین به تعارض منافع در بخش خصوصی مانند شرکت‌ها و مباحث حکمرانی شرکتی پرداخته نمی‌شود. با توجه به محدودیت مذکور، در مورد رابطه امانی و نظریه اصیل و وکیل برای تعارض منافع، موضع پژوهشگر مشخص شد. به عبارتی دیگر پژوهشگر، اصیل را مردم می‌داند و وکیل را مسئولین ارشد بخش عمومی که لازم است از منافع عمومی در برابر سایر منافع پایین مانند منافع فردی، گروهی، حزبی، خویشاوندی، جناحی و... پاسداری کنند. در واقع آن‌ها وکیل عموم مردم هستند. بنابراین نظریه اصیل و وکیل با این قرائت، از نظریات پایه‌ای تعارض منافع در بخش عمومی است که مورد توجه قرار می‌گیرد.

جمع‌بندی

به صورت چکیده و براساس آنچه در مقاله مطرح شد، چارچوب نظری نهایی بر طبق روش‌شناسی انجام گرفته دارای چند قسمت مشخص است: تعریف جدید تعارض منافع براساس ارکان چهارگانه تشکیل‌دهنده آن، ابعاد گوناگون تعریف جدید، گونه‌شناسی جدید تعارض منافع براساس منشأ بروز، ارتباط عناصر چارچوب با الهام از دیدگاه نهادی.

¹ Blind Spot

² Fiduciary relationship

³ Principal-Agent

تعارض منافع در نظام حکمرانی به موقعیتی گفته می‌شود که در آن یک مقام دولتی در نقش‌های سازمانی خود، هنگام اعمال اراده یا تصمیم‌گیری‌های احتمالی در آینده، در مورد موضوعاتی که در حیطه وظایف اوست، بر سر دوراهی انتخاب بین منافع به‌جا و نابه‌جا قرار گیرد.

همان‌طور که در قسمت‌های قبلی گذشت؛ مطالعات بسیار ارزشمندی در داخل و خارج از کشور با موضوع تعارض منافع انجام شده است و جعفری‌نیا و همکاران (۱۴۰۱) نیز در مورد نویسندگان و مطالعات و پژوهش‌های این حوزه کاری نسبتاً جامع انجام داده‌اند و آن‌ها را در مقاله خود به صورت مناسبی گردآوری کرده و سپس سنخ‌شناسی تعاریف تعارض منافع را نیز انجام داده‌اند.

مقاله حاضر برای اولین بار سعی کرد از طریق روش‌شناسی عمومی نظریه‌پردازی و با هسته محوری کار یعنی «تخیل نظام‌مند»، یک چارچوب نظری جدید ارائه کند. چارچوبی که با تخیل نظام‌مند بر پایه استقرا از طریق بررسی موارد واقعی تعارض منافع و احصای ارکان اصلی تشکیل‌دهنده در ابتدا به تعریفی جدید رسید. با توجه به آن تعریف و ارکان تشکیل‌دهنده یک گونه‌شناسی جدید براساس منشأ و عوامل بروز تعارض منافع بیان کرد و همچنین با استفاده از مطالعات قبلی و تقاطع آن‌ها با نظریه اولیه، حدود و ثغور و ابعاد دیگر چارچوب را مطرح کرد. در انتها نیز با استفاده از دیدگاه تحلیل نهادی توانست ارتباط میان اجزای مختلف چارچوب را ترسیم کند. می‌توان گفت چنین چارچوبی که چهار رکن اصلی داشته و به یکدیگر متصل و مرتبط بوده و وارد جزئیات و ابعاد مختلف نظری بحث تعارض منافع شود را در مطالعات قبلی نمی‌توان یافت و وجه تمایز و نوآوری این پژوهش نیز نسبت به سایر پژوهش‌ها همین مورد است.

پیشنهادها

بنابر چارچوب نظری مطرح‌شده، پیشنهاد می‌شود:

- از آن‌جایی که یکی از مهم‌ترین دلایل پرداختن به تعارض منافع، فساد است و رابطه این دو مفهوم بسیار مهم است؛ پیشنهاد می‌شود که یک چارچوب نظری جدید برای فساد براساس چارچوب نظری تعارض منافع که در مقاله حاضر مطرح شد، تدوین شود تا بتوان رابطه میان اشکال مختلف تعارض منافع و فساد را به صورت دقیق‌تری ادراک کرد.
- برای عملیاتی و کاربردی شدن این تلاش علمی در کشور، پیشنهاد می‌شود تا یک چارچوب سیاستی بر پایه این چارچوب نظری در مورد تعارض منافع تدوین شود تا سیاست‌گذاری‌های بعدی در جمهوری اسلامی ایران براساس آن انجام شود و در نهایت منجر به مدیریت و تنظیم‌گری این مسئله مهم در کشور شود.
- بررسی ابعاد دیگر نظری در مورد تعارض منافع مانند ابعاد و ملاحظات اخلاقی آن به‌ویژه از منظر فلسفه اخلاق فضیلت‌گرای اسلامی و نیز با استفاده از سیره امیرالمؤمنین علی (ع) در تجربه حکومت‌داری اسلامی و نحوه مدیریت تعارض منافع‌های احتمالی در آن دوره، نیازمند پژوهش‌های دقیق و جدی است.

حمایت مالی

نویسندگان این مقاله هیچ‌گونه حمایت مالی برای انجام پژوهش، نگارش یا انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

سپاسگزاری

نویسندگان از داوران ناشناس مقاله که با پیشنهادهای خود به بهبود کیفیت آن کمک کردند، قدردانی می‌کنند. شایان ذکر است مسئولیت محتوای این مقاله به‌طور کامل بر عهده نویسندگان است.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در ارتباط با این مقاله، هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

مآخذ

جعفری، سعید؛ عابدی جعفری، حسن؛ و کیلی، یوسف؛ و رنجبر کبوترخانی، مصطفی (۱۴۰۱). سنخ‌شناسی تعارض منافع کارگزاران دولتی: پهنه‌کاوی مطالعات تعارض منافع در بخش دولتی. *مطالعات مدیریت دولتی ایران*. (۱)۵. ۲۹-۱.

دانائی فرد، حسن (۱۳۸۹). *نظریه‌پردازی: مبانی و روش‌شناسی‌ها*. تهران: سمت.

مرتب، یحیی؛ کشافی‌نیا، وحید؛ عباسی، مصطفی؛ واثقی، محمد؛ و فلاحیان، مهدی (۱۴۰۰). *تعارض منافع در بخش عمومی*. تهران: شفافیت و پیشرفت.

ویتن، هاوارد (۱۳۹۹). *جعبه ابزار مدیریت تعارض منافع در بخش دولتی* (ترجمه محمد آزادی احمد آبادی و مهدی یخچالی). تهران: نشر بازرگانی.

Asian Development Bank & Organization for Economic Co-operation and Development (OECD). (2008). *Managing conflict of interest: Frameworks, tools, and instruments for preventing, detecting, and managing conflict of interest*. Asian Development Bank. <https://www.adb.org/publications/managing-conflict-interest-frameworks-tools-and-instruments-preventing-detecting-and>

Boatright, J. R. (2010). Conflict of interest in financial services: A contractual risk-management analysis. In T. H. Murray & J. Johnston (Eds.), **Trust and integrity in biomedical research: The case of financial conflicts of interest** (pp. 201–219). Johns Hopkins University Press.

Conflict of interest. (n.d.-a). In *Black's Law Dictionary (online)*. <https://thelawdictionary.org/conflict-of-interest>

Conflict of interest. (n.d.-b). In *Transparency International: Corruptionary / Glossary*. <https://www.transparency.org/en/corruptionary/conflict-of-interests>

Danaeefard, H. (2010). *Theorizing: Foundations and methodologies*. Tehran: Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT), Center for Research and Development in Humanities. (in Persian)

Davis, M. (2012). Conflict of interest. In R. Chadwick (Ed.), *Encyclopedia of Applied Ethics* (2nd ed., Vol. 1, pp. xx–xx). Elsevier.

Demmke, C., Bovens, M., Henökl, T., & Moilanen, T. (2008). *Regulating conflicts of interest for holders of public office in the European Union: A comparative study of the rules and standards of professional ethics for the holders of public office in the EU-27 and EU institutions*. European Institute of Public Administration. <https://op.europa.eu/en/publication-detail/-/publication/746a95fc-dbf6-48de-a76d-b4ce1fe4b4bf>

Demmke, C., & Henökl, T. (2007). Managing conflicts of interests: Ethics rules and standards in the member states and the European institutions. *EipaScope / European Institute of Public Administration*, 3, 1–7.

Friedberg, E. (2012). Conflict of interest from the perspective of the sociology of organized action. In A. Peters & L. Handschin (Eds.), *Conflict of Interest in Global, Public and Corporate Governance* (pp. 39–53). Cambridge University Press.

Di Carlo, E., & Testarmata, S. (2011). Defining Directors' Conflict of Interests in Code of Ethics. *Corporate Board*, 7(1), 125–139.

Di Carlo, E. (2013). How much is really known about the meaning of the term “Conflict of Interest”? *International Journal of Public Administration*, 36(12), 884–896.

Gostin, L. O. (2022). Addressing conflicts of interest in public health policy: A framework for responsible decision-making. *The Lancet*, 399(10337), 1783–1790.

- High Inspectorate for Declaration and Audit of Assets (HIDAA). (2007). *Explanatory and training manual for preventing conflict of interest*. Organization for Security and Co-operation in Europe. <https://www.osce.org/files/f/documents/7/d/25013.pdf>
- Independent Evaluation Group (IEG). (2014). *Guidelines to manage conflicts of interest in independent evaluation* (World Bank). https://ieg.worldbankgroup.org/sites/default/files/Data/More-on-IEG/ieg_coi_8_15_14_0.pdf
- Jafari Nia, S., Abedi Jafari, H., Vakili, Y., & Ranjbar Kaboutarkhani, M. (2022). The Typology of Public Sector Agent Conflict of Interest: Scoping Review of Conflict of Interest Studies in Public Sector. *Journal of Iranian Public Administration Studies*, 5(1), 1-29. (in Persian)
- Kimmel, A. H. (2020). A framework for conflict of interest disclosure in public health ethics. *American Journal of Public Health*, 110(8), 1112–1118.
- Lankester, T. (2007, May). Conflict of interest: A historical and comparative perspective. 5th Regional Seminar on Making International Anti-Corruption Standards / *Asian Development Bank event*. (Presentation PDF available via ADB). <https://www.adb.org/Documents/Events/2007/conflict-interest/session1-pres2.pdf>.
- Luebke, N. R. (1987). Conflict of interest as a moral category. *Business & Professional Ethics Journal*, 6(1), 66–81.
- McLean, C., Assaly, A., & Mackenzie, S. (2013). Conflict of interest. In *The Professional Practice Handbook for Dietitians in Alberta* (pp. 1–11). College of Dietitians of Alberta.
- Moratteb, Y., Keshafinia, V., Abbasi, M., Vasefi, M., & Fallahian, M. (2020). *Conflict of interest in the public sector*. Tehran: Transparency and Progress Publications. (in Persian)
- Organization for Economic Co-operation and Development (OECD). (2003). *Recommendation of the Council on Guidelines for Managing Conflict of Interest in the Public Service*. OECD. <https://legalinstruments.oecd.org/en/instruments/OECD-LEGAL-0300> and see OECD publication *Managing Conflict of Interest in the Public Service* (Toolkit).
- Organization for Economic Co-operation and Development (OECD). (2005). *Managing conflict of interest in the public sector: A toolkit* (OECD Publishing). <https://www.oecd.org/gov/ethics/managing-conflict-of-interest.htm>
- Peters, A. (2012). Conflict of interest as a cross-cutting problem of governance. In A. Peters & L. Handschin (Eds.), *Conflict of Interest in Global, Public and Corporate Governance* (pp. 3–38). Cambridge University Press.
- Sah, S. (2019). Understanding the (perverse) effects of disclosing conflicts of interest: A direct replication study. *Journal of Economic Psychology*, 18(75), 1-14.
- Sah, S., Loewenstein, G., & Cain, D. (2018). Insinuation anxiety: Concern that advice rejection will signal distrust after conflict of interest disclosures. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 45(7), 1099-1112.
- Trost, C., & Gash, A. L. (2008). *Conflict of interest in public life*. Cambridge University Press.
- Witten, H. (2020). *Toolkit for managing conflict of interest in the public sector* (M. Azadi Ahmadabadi & M. Yakhchali, Trans.). Tehran: Bazargani Publishing. (in Persian)
- Zaffke, M., et al. (2021). Conflicts of interest in public-private partnerships: A literature review and research agenda. *International Journal of Public Sector Management*, 34(6), 615–634.